

## ترجمه و نقد مدخل امام خمینی در دایره‌المعارف بریتانیکا

(بخش دوم)

سهراب مقدمی شهیدانی

### مقدمه

در عصر حاضر دایره‌المعارف‌ها از جایگاهی راهبردی در عرصه پژوهش‌های خرد و کلان برخوردارند و ضمن بر ساختن ذهنیت عمومی در مورد پدیده‌ها، مفاهیم و جریان‌ها، در ترسیم سوگیری پژوهش‌ها نیز به شدت مؤثر هستند و اگر «دایره‌المعارف» را گلوگاه پژوهش در عصر حاضر بنامیم، سخن به گزافه و مبالغه نیست. بر این اساس بررسی دقیق و فنی دایره‌المعارف‌ها در هر عرصه و ساحتی ضروری می‌نماید؛ به ویژه اگر برخی مدخل‌های یک دایره‌المعارف حاوی تحریفات آشکار یا سوگیری پنهان باشد.

تردیدی نیست که پیروزی انقلاب اسلامی ضربه سهمگینی به ساختارهای سیاسی-فکری استکبار وارد ساخت و یکی از راه‌های جدی ابرقدرت‌ها در مقابله با این پدیده، تولید و ترویج روایت‌های تحریف‌آمیز است و وارد شدن القائات تحریف‌آمیز به دایره‌المعارف‌ها یکی از مخاطره‌آمیزترین انواع تحریف است.

با پیروزی انقلاب اسلامی نهضت دایره‌المعارف‌نویسی آغاز گردید و در این زمینه مراکز





و مؤسسات مختلفی تأسیس شد که برخی از آنها تا امروز به کار خود ادامه داده‌اند. با نگاهی به تولیدات این مراکز متأسفانه باید اذعان داشت که برخی از این آثار، و به صورت مشخص مدخل‌هایی که به «امام» اختصاص داده شده‌اند، حاوی غلط‌ها و تحریفات متعدد بوده است. به طور مثال می‌توان به مدخل مربوط به «امام خمینی» در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*<sup>۱</sup> یا همان مدخل در *دایره‌المعارف تشیع*<sup>۲</sup> اشاره کرد که حاوی تحریفات و اغلاط متعدد محتوایی بود و پیش از این مورد نقد قرار گرفت.

نگارنده پس از نقد تفصیلی و مستدل دو مدخل فوق در دو اثر مستقل با عنوان: *نقدی بر مدخل خمینی، روح‌الله در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و نقدی بر مدخل امام خمینی در دایره‌المعارف تشیع*، اکنون مدخل امام خمینی در *دانشنامه بریتانیکا* را مورد بحث و بررسی تاریخی قرار می‌دهد.

مدخل «Ruhollah Khomeini: Iranian Religious Leader»، «روح‌الله خمینی؛ رهبر مذهبی ایرانی» در *دانشنامه بریتانیکا*، برای نخستین بار در ۲۹ تیر ۱۳۷۷ شمسی برابر با ۲۰ جولای ۱۹۹۸ میلادی منتشر گردید و تاکنون پنج بار در سال‌های ۲۰۰۹ (توسط لورا اتردژ)، ۲۰۱۶<sup>۳</sup> (توسط نوح تیش)، ۲۰۱۸<sup>۴</sup> (دو بار توسط گروه ویرایشگران) و ۲۰۱۹ (توسط آدام زیدان)<sup>۵</sup>، مورد بازبینی محتوایی جدی قرار گرفت که مهم‌ترین آن مربوط به «آدام زیدان» در سال ۲۰۱۹ است. همچنین هشت بار دیگر اصلاحات جزئی در مدخل صورت پذیرفت.<sup>۶</sup>

ترجمه فارسی مدخل مزبور و بخش نخست نقد محتوای مخدوش آن، پیش‌تر در شماره ۷۰-۶۹ فصلنامه تخصصی *پانزده خرداد/ تقدیم مخاطبان ارجمند* گردید و اکنون بخش دوم آن مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرد. نقد حاضر بر اساس آخرین ویرایش این مدخل مربوط به ۱۴ می ۲۰۱۹ میلادی، نگارش یافته است.

در بخش نخست نقد این مدخل، موضوعاتی چون «عدم اشاره به سیادت امام»، «بی‌دقتی در استفاده از اصطلاحات علمی و ذکر برخی تواریخ»، «القای برخی مطالب تحریف آمیز در خصوص مرجعیت امام خمینی»، «عدم اشاره به نقش راهبردی امریکا در ماجرای انقلاب

۱. نگارش یافته توسط آقایان فرامرز حاج منوچهری، احمد پاکتچی و حمید انصاری در سال ۱۳۹۴ ه.ش.

۲. به قلم عمادالدین باقی، نویسنده و سیاستمدار نزدیک به نهضت آزادی و عضو ارشد بیت منتظری.

3. Laura Etheredge

4. Noah Tesch

5. Adam Zeidan

۶. برای اطلاع از جزئیات ویرایش‌ها به پیوند ذیل مراجعه کنید:

<https://www.britannica.com/biography/Ruhollah-Khomeini#accordion-article-history>

سفید»، «تأثیرپذیری از نگاه چپ‌زده در نگارش مدخل» و... مورد ارزیابی قرار گرفت و در نوشتار پیش رو بخش دوم نقد این مدخل تقدیم می‌گردد که در آن به بررسی علمی برخی موضوعات از قبیل «سیاه‌نمایی پیرامون جمهوری اسلامی»، «دادگاه‌های انقلاب و برخورد با مخالفان سیاسی»، «مسئله حجاب در جمهوری اسلامی»، «صدور انقلاب»، «ماجرای تسخیر لانه جاسوسی» و «ساخت حرم امام» می‌پردازیم. مقارنت مباحث این نوشتار با داغ شدن مجدد بحث حجاب به واسطه عملیات روانی جریان‌های معاند و دنباله‌های داخلی آن، جالب توجه است و التفات به پیشینه تاریخی سیاه‌نمایی دشمنان در متون معیار (خصوصاً در دانشنامه‌ها) پیرامون مقوله حجاب، در تحلیل توطئه پیچیده و جنگ ترکیبی دشمن، قطعاً مؤثر است و امید است این نوشتار مورد اقبال و استفاده پژوهشگران ارجمند واقع گردد. با این مقدمه، بخش دوم از نقد مدخل بریتانیکا در ذیل تقدیم می‌شود.

## سیاه‌نمایی پیرامون جمهوری اسلامی

### مسائل مربوط به استقرار نظام سیاسی

در بخشی از مدخل در مورد تحولات تاریخی پس از استقرار نظام، چنین نوشته‌اند:

خمینی به صورت تزلزل‌ناپذیر خود را متعهد کرد که ایران را به یک حکومت طبق نظریات اسلامی تبدیل کند. روحانیون شیعه ایران به صورت گسترده تدوین سیاست‌های حکومتی را به دست گرفتند، در حالی که خمینی در میان جناح‌های مختلف انقلابی داوری می‌کرد و تصمیمات نهایی در مورد موضوعات مهم را نیازمند به تأیید خودش قرار داد.

### نقد و بررسی

۱. امام خمینی در کتاب کشف/سرار خود در خصوص لزوم عمل به قوانین اسلامی، تصریحات فراوانی دارد. پایبندی امام خمینی به اصول اسلامی، امری نبود که بعد از پیروزی انقلاب، و استقرار نظام سیاسی بدان تصریح شود و در برهه‌های مختلف مبارزات خصوصاً در دروس ولایت فقیه در سال ۴۸ و نیز در اغلب مصاحبه‌های سیاسی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بدان تصریح شده است و مردم و نخبگان سیاسی با ایده حکمرانی امام آشنا بوده و با وجود این و بلکه فقط به همین دلیل، با ایشان همراه شده‌اند لذا تعبیر «خمینی به صورت تزلزل‌ناپذیر خود را متعهد کرد که ایران را به یک حکومت طبق نظریات اسلامی تبدیل کند» تا حدود زیادی غلط‌انداز است و چنین القاء می‌کند که اسلام خواهی و اسلام‌گرایی امام خمینی امری پوشیده (و جزو سیاست‌های غیراعلامی و سر بسته ایشان) بوده و بعد از پیروزی





چنین رخ‌نمایی کرده است! حال آن که در امر واقع چنین نیست. امام در دوران حضور در پاریس که هنوز نشانه‌های پیروزی برای بسیاری از سیاستمداران نیز روشن نبود، هرگز از بیان التزام به عقاید اسلامی لکتی نداشت و بدان تصریح می‌نمود. به عنوان نمونه ایشان در مصاحبه با نشریه *لوموند*<sup>۱</sup> در اردیبهشت ۵۷ چنین می‌فرماید:

در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست‌ها در بیان مطلب خود آزاد خواهند بود... هر کس آزاد است اظهار عقیده کند ولی برای توطئه کردن آزاد نیست.<sup>۲</sup>

امام همچنین در دی‌ماه ۵۷ در گفت‌وگو با مجله محلی<sup>۳</sup> پاریس می‌فرماید:

در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند.<sup>۴</sup>

همین نگاه تا پایان عمر مبارک امام نیز برقرار بود؛ چنان که در وصیت‌نامه امام خمینی می‌خوانیم:

تبلیغات، مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان، جلوگیری از آنها واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند.<sup>۵</sup>

آنچه در این سخنان مشهود است آن که حضرت امام در تمام موارد به ارزش‌های اسلامی به عنوان خطوط قرمز اشاره کرده است؛ «همه آزادند مادامی که نسل ایران را منحرف نکنند»، «مارکسیست‌ها هم آزادند مادامی که قصد توطئه نداشته باشند»، «کتب و نشریات نیز آزادند مادامی که خلاف شرع و مخالف جمهوری اسلامی ننویسند». در تمام موارد می‌بینیم که انحراف جامعه از مسیر شرع را خط قرمز آزادی اعلام می‌کنند و هر کجا که کسی یا گروهی بخواهند با مطالب انحرافی و خلاف شرع، جامعه را به انحراف بکشاند آنجا

1. Le monde

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۶۶.

3. local magazine

۴. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۶۸.

۵. همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

آزادی‌شان محدود می‌شود و این حد دموکراسی است. لذا امام با ارایه یک مبنای مشخص و لازم (یعنی شرع مقدس و قوانین جمهوری اسلامی)، حدود آزادی‌های اجتماعی را برای همه تبیین می‌نمایند. طبعاً نباید انتظار داشت که رهبر انقلاب اسلامی، همه قیود و شرایط جزئی مرتبط را در قالب سخنرانی یا بیانیه و پیام و... ارایه کند! اما مواضع امام پیرامون مسائل اسلامی، آن هم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به اندازه‌ای است که مدخل نویسان بریتانیکا نتوانند تأکیدات امام بر ارزش‌های دینی در حکومت‌داری را امری عارضی و پسینی قلمداد نمایند.

۲. نویسندگان تلاش دارند همپای برخی نویسندگان مخالف انقلاب اسلامی، دوران استقرار جمهوری اسلامی را با تصدی‌گری صنفی روحانیت در عرصه سیاست و حکومت‌داری گره بزنند حال آن که اولاً امام خمینی در بدو ورود به ایران با تصدی‌پست‌های اجرایی توسط روحانیون مخالف بود و مناصب مهم اجرایی دولت انتقالی را بر اساس پیشنهاد و اصرار شورای انقلاب، به جمعی از تکنوکرات‌های اسلامی طرفدار غرب (خصوصاً امریکا) واگذار نمود و ظرفیت سیاسی خود را در مرتبه‌ای به نمایش گذاشت.

لذا در واکاوی این تعبیر که «روحانیون شیعه ایران به صورت گسترده تدوین سیاست‌های حکومتی را به دست گرفتند» می‌توان چنین گفت: اولاً اگر روحانیت شیعه در عرصه حکمرانی بر رأس هرم سیاست‌گذاری نزدیک شده، امری است که به خواست مردم و در فرآیندی کاملاً دموکراتیک به وقوع پیوست و لذا نقدی بدان وارد نیست. ثانیاً در همه ادوار جمهوری اسلامی، افرادی از غیر روحانیان در عالی‌ترین مناصب اجرایی و سیاست‌گذاری حضور داشته و از این رو، راه برای هیچ طیفی که در چهارچوب قانون اساسی و شریعت شیعی فعالیت نماید، بسته نیست تا تلقی انحصارگرایی به ذهن‌خورد.

### دادگاه‌های انقلاب و برخورد با مخالفان سیاسی

در بخشی از مدخل با تعبیری به غایت خارج از انصاف و ناسازگار با مستندات تاریخی نوشته‌اند:

در ابتدا رژیم وی در جهت خونخواهی سیاسی، صدها نفر از افرادی که برای رژیم شاه کار کرده بودند را اعدام کرد. پس از آن مخالفت‌های داخلی باقی‌مانده، سرکوب شد، اعضای آن مخالفت‌ها به طور سیستماتیک زندانی و یا کشته شدند. زنان ایرانی مجبور به پوشیدن حجاب بودند، موسیقی غربی و الکل ممنوع بود و مجازات‌های تجویز شده توسط قانون اسلامی جایگزین شدند.



## نقد و بررسی

۱. در این فراز مطالبی به غایت غیر علمی نگارش یافته که متن مدخل را به محتوای یک بیانیه سیاسی تقلیل داده است. از آن جمله نوشته شده، جمهوری اسلامی با هدف «خونخواهی سیاسی»، «صدها نفر» را صرفاً برای اینکه «برای رژیم شاه کار کرده بودند»، اعدام کرده است!

معلوم نیست با کدام مستند تاریخی چنین مدعای گزاف و بی‌راهی مطرح شده است که نظام اسلامی افراد را صرفاً به جرم کارگزاری رژیم شاه، اعدام کرده است!

آیا به گمان نویسندگان مدخل، اگر کارگزاران یک رژیم سیاسی در قتل عام مردم مظلوم و بی‌گناه مشارکت یا مباشرت مستقیم داشته باشند، مجرم نیستند؟ آیا کسانی که در طی چند دهه، با اتکا به انواع روش‌های غیرقانونی و غیرشرعی، به سرقت اموال عمومی و تجمیع مال نامشروع مشغول بوده‌اند، نباید بعد از استقرار نظام اسلامی، مورد تعقیب قضایی قرار می‌گرفتند؟ متجاوزان به حریم شخصی و عفت عمومی چطور؟ اگر این قبیل عناوین مجرمانه و شنیع، قابل ردیابی قضایی نباشد، اساساً فلسفه حقوق برای چیست؟ چرا دستگاه قضایی در یک نظام سیاسی باید وجود داشته باشد؟ آیا اگر جمهوری اسلامی خیل مجرمان غربگرای درباری را بدون تعقیب و مجازات به خود وامی‌گذارد، مردمی که نزدیک به دو دهه تمام، از جان و مال خود در جهت پیروزی این نهضت دینی ایثار کرده بودند و انتظار اقامه عدالت را داشتند، چه واکنشی بروز می‌دادند؟ آیا این مجرمان و بعضاً جانیان بالفطره، که دستشان تا مرفق در خون و مال مردم مظلوم آلوده بود، به ادامه جرم و جنایت مشغول نمی‌شدند؟ از همه اینها که بگذریم، در نظام‌های سیاسی مطلوب نویسندگان بریتانیکا، با مخالفان نظام سیاسی که با اساس نظام درگیر و در تدارک براندازی هستند، چه برخوردی می‌شود؟ با بانیان رفتارهای تروریستی و عاملان کشتار عمومی مردم، چگونه برخورد می‌شود؟ آیا مجازات اینان را مصداق خونخواهی سیاسی تلقی می‌کنند یا اجرای عدالت و دفاع از حقوق مردم و استیفای مصالح عمومی لقب می‌دهند؟

۲. جز یک مورد که به دست آقای خلخالی و در محل اقامت امام اجرای حکم صورت گرفت، در سایر موارد با تأکید امام خمینی، افراد بعد از برگزاری دادگاه و حضور اصحاب رسانه و پس از محرز شدن جرایم، محکوم و مجازات می‌شدند؛ مگر موارد خاص که برخلاف رویه حقوقی مطلوب رهبری نظام، و بر اساس اشتباهات فردی (که در همه انقلاب‌ها رایج بوده) صورت گرفته است که از کم و کیف این موارد خاص و خلاف روال نیز جمع‌بندی دقیقی در دست نیست و روایت‌های موجود نیز نوعاً در فضای سیاه‌نمایی و سیاست‌زدگی



مواضع امام پیرامون مسائل اسلامی، آن هم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به اندازه‌ای است که مدخل نویسان بریتانیکا نتوانند تأکیدات امام بر ارزش‌های دینی در حکومت‌داری را امری عارضی و پسینی قلمداد نمایند

تولید شده است. گذشته از روایت‌های مخدوش معاندان، گاه روایت‌های تاریخی داخل کشور نیز مشوب و مغلوط است؛ چنان که شخص آقای خلخالی در خاطرات خود مطالب غلوآمیز و بعضاً کاملاً نادرستی در مورد عملکرد دادگاه‌های انقلاب اسلامی ارایه کرده است.<sup>۱</sup>

۳. به نظر می‌رسد منظور اصلی از عبارت فوق، تعریض به عملکرد آقای خلخالی در دادگاه انقلاب باشد که در این مورد نیز نکات مهمی قابل ذکر است:

اولاً بعد از تعرض یکی از سران زندانی رژیم به مأمور نگهبان خود (که نزدیک بود او را از پای در آورد)، بحث ضرورت محاکمه این جنایتکاران در میان حلقه نزدیکان امام مطرح شد و تنها کسی که برای پذیرش این مأموریت پیشقدم شد، آقای خلخالی بود.

ثانیاً در مورد شخص مرحوم خلخالی نیز باید گفت احکام او به پشتوانه فقاقت و اجتهاد وی صادر می‌شد و از این مسیر مشروعیت می‌یافت و جالب آنکه ایشان گرچه از شاگردان امام بوده اما از ایشان اجازه اجتهاد نداشت.<sup>۲</sup>

ثالثاً امام خمینی با دقت تاریخی و درایت کامل در حکم مرحوم خلخالی عبارتی آورده‌اند که پاسخی محکم است به تاریخ؛ و مسئولیت اقدامات دادگاه‌ها را رأساً متوجه شخص قاضی شرع می‌کند و نه انقلاب اسلامی و امام خمینی. ایشان در حکم آقای خلخالی چنین نوشته‌اند:

بسمه تعالی

۶۲۹ [۵ اسفند ۱۳۵۷]

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی - دامت افاضاته

به جنابعالی مأموریت داده می‌شود تا در دادگاهی که برای محاکمه

۱. به عنوان نمونه او در خاطرات خود در ذیل عنوان «فهرست برخی از اعدامی‌ها با تصاویرشان» از «جواد ذبیحی» (شماره ۴۷) نام می‌برد و تصاویر او را به عنوان یکی از اعدامی‌ها درج می‌کند؛ حال آنکه ذبیحی هرگز اعدام نشد بلکه پس از محکومیت و دو سال حبس، آزاد شد و بعداً توسط یک گروه خودسر به نام «شاهین» به دلایل نامعلومی ترور شد. با وجود این آقای خلخالی در لیستی که ارایه می‌دهد، ذبیحی را در جرگه اعدامی‌های اولیه قلمداد می‌کند و چنین می‌نویسد: «اولین افرادی که در شب ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ حکم اعدام‌شان را در مدرسه رفاه در تشکیل اولین جلسه دادگاه پس از انتصاب به عنوان حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب صادر کرده‌ام و در پشت‌بام مدرسه رفاه به جوخه اعدام سپرده شده‌اند.»

رک: ایام انزوا (خاطرات آیت‌الله خلخالی)، تهران، سایه، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۰۹ و ۳۲۳-۳۲۲.

۲. تنها مستمسک او در این جهت که به امام نسبت داده، نقل قول از شهید سید مصطفی خمینی مبنی بر حاشیه‌نگاری بر عروه است که خود ادعا کرده امام آن را دلیلی بر اجتهادش دانسته که البته در سایر منابع تأیید نشده است و با توجه به سیره امام بعید به نظر می‌رسد با چنین روایی بخواهند احراز اجتهاد نمایند! والله العالم. خلخالی گفته: «امام فرمود: مصطفی گفته بود که شما حاشیه عروه را هم نوشته‌اید و مجتهد هستید.» رک: ایام انزوا، تهران، سایه، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۹۱.





متهمین و زندانیان تشکیل می‌شود، حضور به هم رساننده و پس از تمامیت مقدمات محاکمه، با موازین شرعیه حکم شرعی صادر کنید. روح‌الله الموسوی الخمینی<sup>۱</sup>

تأکید امام خمینی در این متن بر «صدور حکم شرعی بر اساس موازین شرعیه» و پس از «تمامیت مقدمات محاکمه» است. مسئله مهمی که در هیچ کدام از انقلاب‌های جهان به چشم نمی‌خورد و نشان از آن دارد که انقلاب اسلامی و رهبری آن، نه تنها بنای بر برخورد سیاسی با مخالفان نداشته، که محاکمه سران جنایتکار پهلوی را نیز بر اساس ضوابط شرعی و قانونی دنبال می‌کرده است. صد البته خطای انسانی و برخورد سلیقه‌ای افراد، منتفی نیست و ممکن است در گوشه و کنار، اقداماتی برخلاف رویه صورت گرفته باشد که در هر نظام حقوقی دیگری نیز این میزان از خطا پذیرفته است و نمی‌توان از آن به عنوان یک انحراف قضایی سیستماتیک یاد کرد.

در تأیید این دیدگاه، لازم به یادآوری است که برخی از سران انقلاب اسلامی از جمله شهیدان مطهری<sup>۲</sup> و بهشتی، بیش از سایر منتقدان دادگاه‌های انقلاب اسلامی، به برخی اقدامات این جریان انتقاد وارد کرده، در مدت کوتاهی با موافقت امام خمینی، روند محاکمات در دادگاه‌های انقلاب را به طور کامل تغییر دادند. ناهماهنگی قضایی دولت موقت با دادگاه‌های انقلاب نیز در آشفته شدن فرآیند رسیدگی به جنایات سران رژیم تأثیر مستقیم داشت و آزاد کردن بسیاری از ضد انقلابیون سرشناس، جدای از اعتراض مردم، موجب فعال‌تر شدن ضدانقلاب گردید.<sup>۳</sup>

بعد از بروز انتقادات به برخی عملکردها، مسئله محاکمات انقلابی و اعدام‌ها، که چهره پیگیر و شاخص آن خلخال بود، به دستور امام متوقف گردید و تحت نظارت شورای انقلاب قرار گرفت و بنا شد آیین‌نامه جدیدی برای دادگاه‌ها تدوین شود.<sup>۴</sup> به پیشنهاد شهید بهشتی مقرر شد کمیسیونی مختلط از اعضای شورا و نمایندگان دولت، آیین‌نامه مربوطه را در مدت زمانی معین به وسیله حقوقدانان باصلاحیت تنظیم کنند و به دنبال آن امام خمینی

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۱۶.

۲. از جمله شهید مطهری ضمن انتقاد از برخی اقدامات دادگاه‌ها و با توجه به پرتنگ کردن نقش آقای صادق خلخالی در زمینه محاکمات و اعدام‌ها، معتقد بود: «تنها خلخال نیست. جوی است که او هم آمادگی دارد. در روزنامه‌ها متن حکم، جوری تنظیم می‌شود که عوامانه است و تعجب می‌کنم آنها قاضی هستند...» رک: صورت مذاکرات شورای انقلاب مورخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۷.

۳. تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴. یحیی فوزی، تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی پس از انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۰۳.





در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ در پیامی خطاب به دادستان کل انقلاب اسلامی (مهدی هادوی)، محدودیت‌های زیادی را برای اجرای احکام دادگاه‌های انقلاب ایجاد کرد.<sup>۱</sup> در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب به تصویب رسید<sup>۲</sup> و از این تاریخ به بعد محاکمات دادگاه‌های انقلاب، زیر نظر شورای انقلاب و دولت موقت قرار گرفت. در این فضا فرصت برای ایجاد بستر قانونی دادگاه‌ها از طریق شورای انقلاب فراهم آمد و شورا بعد از چند جلسه فشرده در ۵۸/۲/۲۷ مصوبه‌ای را در خصوص شکل‌گیری قانونی این دادگاه‌ها با صلاحیت‌های معین اعلام نمود. در واقع در این دوره، شکل اولیه دادگاه‌های انقلاب کاملاً تغییر یافت و پس از آن محاکمات قضایی به صورت ساختارمند (با نظارت دولت موقت و شورای انقلاب)، انجام می‌گرفت.<sup>۳</sup>

با توجه به اینکه از هنگامه پیروزی انقلاب اسلامی تا نیمه دوم اردیبهشت ۵۸ که فرآیند محاکمات دادگاه انقلاب به صورتی کاملاً ساختارمند در آمد و پس از آن شورای انقلاب و دادستان کل انقلاب و بدنه دولت موقت بر روند محاکمات نظارت داشته‌اند، لذا محل اصلی مناقشه نویسندگان و ادعای کشتار صدها نفره مخالفان توسط نظام، قاعدتاً مربوط به بازه سه‌ماهه نخستین است. اکنون باید از نویسندگان مدخل بریتانیکا پرسید در این مدت سه‌ماهه، چند نفر اعدام شده‌اند؟ تعداد مجموع اعدامی‌ها چه تناسبی با عدد نجومی مورد ادعای مدخل بریتانیکا دارد؟ چرا اسامی این صدها نفر که طبعاً با توجه به شانناژ رسانه‌های معاند در سراسر جهان، اخبار محاکمه آنان به صورت گسترده مخابره شده، تاکنون منتشر نشده و به صورت غیر علمی و مبتنی بر کلی‌گویی، به اتهام‌زنی علیه نظام اسلامی می‌پردازند؟ سؤال دیگر آن که آیا همه محاکمات دادگاه‌های انقلاب، فاقد مقدمات حقوقی رایج بوده؟ به عنوان نمونه در مورد محاکمه هویدا، آیا جلسه علنی دادگاه با حضور اصحاب رسانه برگزار نشده؟ از این گذشته، آیا اعدامی‌ها از نظر نویسندگان بریتانیکا مرتکب هیچ جرم و جنایتی نشده‌اند؟ با کدام مستند به تبرئه این سَنخ متهمان پرداخته می‌شود در حالی که اسناد

۱. متن پیام به شرح زیر بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم  
آقای دادستان دادگاه انقلاب اسلامی

در غیر از دو مورد زیر:

۱. کسی که ثابت شود آدم کشته است؛

۲. کسی که فرمان کشتار عمومی داده است و یا مرتکب شکنجه‌ای شده که منجر به مرگ شده باشد، هیچ دادگاهی حق ندارد حکم اعدام صادر کند و نباید اشخاص در غیر از دو مورد مذکور اعدام شوند. تخلف از این امر جرم است و موجب ثبوت قصاص، «رک: صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۷۴».

۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸، دادگستری جمهوری اسلامی، روزنامه رسمی کشور، ص ۸۸.

۳. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، ص ۹۲؛ فرهنگ‌نامه نهادهای انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۷.



سخنرانی ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ امام مخالفت جریان‌ها و شخصیت‌های غرب‌گرا و برخی روزنامه‌ها (همچون کیهان) که در آن زمان گرایش چپ داشتند را برانگیخت و البته مردم متدین نیز به این اعتراضات واکنش نشان دادند و به طور مثال مردم به حمایت از کلمات امام در لزوم رعایت حجاب به تظاهرات روبه‌روی دفتر کیهان پرداختند

جنایات اغلب آنان در تاریخ ثبت شده و یکایک قابل بررسی علمی است. به نظر می‌رسد هنگام بررسی روند رخدادهای انقلاب اسلامی، منطق جرم و جزا در لسان نویسندگان بریتانیکا تغییر کرده است!

سیاه‌نمایی علیه دادگاه انقلاب و تبرئه برخی جنایتکاران نامدار عصر پهلوی، رویه رایجی است که برخی نویسندگان غرب‌گرا و غربی پیش از نویسندگان مدخل مورد نقد نیز به دفعات پیموده‌اند؛ به عنوان نمونه عباس میلانی، در نگارش پروژه سفارشی خود از زندگانی هویدا، به ماجرای

دادگاه‌های انقلاب وارد می‌شود و با اشاره به صدور حکم اعدام هویدا و به ادعای او محاکمه هزاران نفر دیگر در این دادگاه‌ها، به ترسیم چهره‌ای خشن و غیر واقعی از امام خمینی می‌پردازد و به طرز تعجب‌برانگیزی تمام اتهامات هویدا را با زبانی ادیبانه و شاعرانه، تبرئه می‌سازد!<sup>۱</sup> جالب آن که میلانی نه تنها هویدا را از اتهامات مربوط به دوران نخست‌وزیری که منجر به مشارکت در بسیاری از جنایات شاه و ساواک شده بود، تبرئه ساخته، بلکه بر خرابکاری‌ها و رسوایی‌های دوران دانشجویی او از جمله قاچاق در اروپا نیز به طرز بسیار پیش‌یافتاده‌ای سرپوش می‌گذارد و به ضرب‌المثل سیاه‌نمایی علیه نظام اسلامی تبدیل می‌شود.<sup>۲</sup>

۴. در بخشی از مدخل نوشته‌اند:

پس از آن مخالفت‌های داخلی باقی مانده، سرکوب شد، اعضای آن مخالفت‌ها به طور سیستماتیک زندانی و یا کشته شدند.

این بخش از مدخل نیز به احتمال زیاد به مجازات برخی سازمان‌های تروریستی و توطئه‌گر مانند سازمان مجاهدین خلق و حزب توده اشاره دارد یا مواجهه نظام اسلامی با برخی گروه‌های تجزیه‌طلب مدنظر آنان بوده که بحث و بررسی سوابق سیاه آنان متضمن

۱. عباس میلانی، معمای هویدا، تهران، اختران، ۱۳۸۰، ص ۹۹-۹۸.

۲. همان، ص ۱۲۶-۱۲۰.

مقالات مبسوط مستقل است و در برخی منابع به تفصیل بدان پرداخته شده است.<sup>۱</sup>

## مسئله حجاب در جمهوری اسلامی

نویسندگان مدخل با نگاهی یکسویه و بی‌ارتباط با روند تحولات تاریخی، تصویری غیر واقعی از اجرای قوانین اسلامی در ایران عصر انقلاب اسلامی ارایه داده و چنین نوشته‌اند: زنان ایرانی مجبور به پوشیدن حجاب بودند، موسیقی غربی و الکل ممنوع بود و مجازات‌های تجویز شده توسط قانون اسلامی جایگزین شدند.

در نقد مطالب پیشین نکاتی قابل ذکر است:

در ابتدا باید گفت که پدیده شوم بی‌حجابی، اساساً یک پدیده وارداتی است و ارتباطی با فرهنگ اصیل و نجیب ایرانی ندارد. بررسی خیانت‌ها و جنایت‌های فرهنگی غرب برای ترویج این بیماری فرهنگی موضوع پژوهشی مستقل و البته ضروری است که بدان اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

برای نمونه در بخشی از متن سفرنامه هانری رنه دالمانی<sup>۲</sup> فرانسوی که در عصر قاجار سفرهایی به ایران داشت، با اشاره‌ای واضح به نقش رسانه‌ها در تخریب فرهنگ حجاب و عفاف آمده است:

اخیراً در یک روزنامه فکاهی که توسط مسلمانان در روسیه منتشر می‌گردد گراور بزرگی را مشاهده کردم که شکل رنگین مضحکی داشت. در این گراور یک زن ایرانی دیده می‌شد که با روی پوشیده در کالسکه مجلی نشسته بود و جمعی از فراشان و نوکران پیاده و سواره در جلو او افتاده بودند و به عابریان امر می‌کردند که صورت خود را بر گردانند و به کالسکه نگاه نکنند و تمام مردان حتی پسران کوچک هم روی خود را بر گردانند و پشت به کالسکه کرده بودند، بعضی از مردان هم چشمان خود را بسته بودند و از همه مضحک‌تر سگی هم در پایین این صورت دیده می‌شد که سر خود را

۱. برای اطلاع از روند شکل‌گیری و فعالیت‌های خرابکارانه و فرجام حزب توده رک: جمعی از پژوهشگران مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (به کوشش)، حزب توده: از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۶۸-۱۳۲۰)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷.

پیرامون ماجرای مجازات‌های سال ۶۷ و روند تقابل جمهوری اسلامی با سازمان تروریستی منافقین نیز رک: سهراب مقدمی شهیدانی و محمدجواد فرح‌نژاد، روزگار قائم‌مقامی، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

در مورد عملکرد گروه‌های تجزیه‌طلب و نوع مواجهه نظام اسلامی با آنان نیز رک: اصغر حیدری، انقلاب اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب در ایران، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

2. Henry d'Allemagne.





بر گرداننده بود تا چشمانش به کالسکه نیافتد. بدیهی است که تأثیر این نوع حملات بر ضد عقاید و عادات قدیمی بیش از تأثیر نطق و بیان خواهد بود و طولی نمی کشد که به نتیجه مطلوب خواهد رسید.<sup>۱</sup>

پهلوی اول به صورت آشکارا با عفاف عمومی و حجاب اسلامی به مبارزه برخاست و قانون ننگین اجباری شدن کشف حجاب را پیاده کرد اما واضح و بدیهی بود که این اقدام، سنخیتی با فرهنگ اصیل ایرانی ندارد و شکست خورد. از این رو پهلوی دوم مجبور به عدم اجرای این قانون ننگین شد و البته، پروژه عفت‌زدایی عمومی را به طرز پیچیده و با تمرکز بر فرهنگ و رسانه با جدیت دنبال کرد.

مردم ایران با علم و اطلاع از ماهیت ضد‌دینی رژیم پهلوی، به نهضت اسلامی که به رهبری یک مرجع تقلید شیعی شکل گرفت، پیوستند و تا پیروزی، پای آن ایستادند و بعد از پیروزی نیز در تمام رفراندوم‌ها و انتخابات‌های سرنوشته‌ساز، به ایده امام خمینی لبیک گفتند و جمهوری اسلامی را برگزیدند و به قانون اساسی با ماهیت اسلامی، رأی دادند. طبعاً در چنین وضعیتی، مسئله حجاب که اصل آن از ضروریات فقه شیعه است، به صورت مفروضه همه این انتخاب‌ها لحاظ شده است.

امروز جریانات انحرافی در ساحت رسانه و حتی در برخی محافل علمی بدون در نظر گرفتن واقعیات قطعی تاریخی، لزوم رعایت قانون اساسی را مورد خدشه قرار می‌دهند و پشتوانه‌های اجتماعی و حقوقی آن را زیر سؤال می‌برند اما در مقابل باید گفت تأکید حاکمیت دینی بر مسئله حجاب، از یک سو متکی به پشتوانه حقوقی مستحکم است و از دیگر سو، مورد مطالبه اکثریت قاطع جامعه ایرانی که نظام دینی را برگزیده بودند، می‌باشد؛ لذا دوگانه‌سازی کاذب در این قبیل امور، نه با واقعیت سازگار است و نه منطبق علمی و حقوقی دارد.

مرور روند تاریخی قانونی شدن حجاب در ایران نشان می‌دهد که برخلاف القائات ناپخته و ناصحیح نویسندگان بریتانیکا، مسئله حجاب در روندی طبیعی، به قانون تبدیل شده است نه آن که محصول تصمیمات آنی ناشی از تحولات انقلابی باشد.

با نگاهی به متون حقوقی جمهوری اسلامی مشخص می‌شود که تا ۵ مهر ۱۳۶۰ هیچ قانون جزئی یا کلی در خصوص حجاب وجود ندارد. البته ریشه‌های قانون‌گذاری در کلام رهبر

۱. هانری رنه دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه علی فره‌وشی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۵، ص ۲۹۵-

انقلاب اسلامی وجود داشت.<sup>۱</sup>

سخنرانی ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ امام مخالفت جریان‌ها و شخصیت‌های غرب‌گرا و برخی روزنامه‌ها (همچون کیهان) که در آن زمان گرایش چپ داشتند را برانگیخت و البته مردم متدین نیز به این اعتراضات واکنش نشان دادند و به طور مثال مردم به حمایت از کلمات امام در لزوم رعایت حجاب به تظاهرات روبه‌روی دفتر کیهان پرداختند.<sup>۲</sup> این اعتراضات و طرفداری‌ها ادامه داشت و البته در شرایط پرتهاپ ابتدای انقلاب زمینه‌ای مناسب برای گروه‌های مشکوک پدید آورد تا با تعرض به زنان زمینه‌بنامی نظام اسلامی را فراهم کنند. امام خمینی در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۵۹ در پاسخ به یک سؤال فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

[امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده‌ای از افراد ناآگاه و احياناً ضدانقلاب، به بانوان بی‌حجاب دستوری به این شرح صادر فرمودند:]

ممکن است تعرض به زن‌ها در خیابان و کوچه و بازار، از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و این‌گونه دخالت‌ها برای مسلمان‌ها حرام است، و باید پلیس و کمیته‌ها از این‌گونه جریانات جلوگیری کنند.<sup>۳</sup>

مباحث در خصوص قانون شدن حجاب تا سال ۱۳۶۰ ادامه یافت تا این که در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ بخشنامه‌ای از طرف نخست‌وزیر وقت به کلیه وزارت‌خانه‌ها و

۱. ایشان در تاریخ ۷ دی ۱۳۵۷ در نوفل‌لوشاتو و در مصاحبه با کرکروفت (استاد دانشگاه روترکرز امریکا) فرمودند:

«در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم تا زنان فقط شیئی برای مردان و آلت هوسرانی باشند.» رک: صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۹۴. همچنین در ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ نیز با تأکید بر رعایت شئون اسلامی نسبت به وضعیت وزارت‌خانه و اماکن دولتی اعتراض نمودند:

«الان وزارت‌خانه‌ها- این را می‌گویم که به دولت برسد، آن طوری که برای من نقل می‌کنند- باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. وزارت‌خانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارت‌خانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند؛ زن‌ها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند. لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند. نباید در آنجا ظرف طلا و نقره- که به نص اسلام حرام است- استعمال بشود.» رک: صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۲۹.

۲. کیهان، ۲۰ اسفند ۱۳۵۷، ص ۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۵۰۲.





در مورد بنای حرم امام خمینی اما نقد و نظرهای مختلفی مطرح شده و از سال‌ها پیش از افتتاح آن، پیش‌بینی می‌شد که ساخت چنین بنای مجللی مورد سوءاستفاده معاندان و دلسردی محرومین و مستضعفان قرار گیرد و اکنون می‌بینیم در این مدخل چنین شده است

سازمان‌های دولتی صادر شد.<sup>۱</sup> بعد از این اتفاق، تحولات حقوقی و قانونی در زمینه حجا در بخش‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی (دستگاه اجرایی، قضایی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و...) پیگیری شد که هر نوع قضاوت در مورد عملکرد نظام در مسئله حجاب، بدون مطالعه این رخدادها، ناقص خواهد بود. نگاهی جامع و فراگیر به رویکردهای حاکمیتی جمهوری اسلامی به مسئله حجاب، نشان از آن دارد

که مواجهه با این مقوله، در فضایی گفتمانی، فرهنگی و حقوقی پیش رفته است و طبعاً نخبگان برآمده از آراء عمومی متکفل رقم زدن تمام تصمیمات اساسی در این عرصه بوده‌اند؛ فارغ از هر نگاهی که به نتایج آن داشته باشیم، مرور پیشینه وضع قوانین مرتبط با حجاب، نشان

۱. متن این بخش‌نامه به شرح ذیل است:

«مردم یعنی شما و برادران و خواهران شما که با فریادهای خالصانه خود تحقق آرمان‌های خویش را در چهارچوب جمهوری اسلامی خواستار شدند. در همین حال برادر و خواهر، فرزند رزمنده شما کارکنان دولت و خدمتگزاران ملت برای حفظ جمهوری اسلامی بهترین سرمایه خویش یعنی حیات خود را تقدیم می‌کنند و شکل و محتوای جمهوری اسلامی را به صورت امانت به دست تو و من می‌سپارند. بنابراین به عنوان پاسداری از خون شهدای انقلاب و نیز پاسخ متناسب به فریاد ملت که کارفرمای واقعی ما هستند موارد ذیل را خواستارم:

۳... خواهران عزیز رعایت فرهنگ انقلاب را که پوشش اسلامی، سادگی است جدا رعایت نمایند. وزرا و مسئولین ملزم به اجرای دقیق مواد این بخش‌نامه هستند، بدیهی است این خدمتگزار کوچک نمی‌تواند از متخلفین صرف نظر کند که این امانت ملت است و تخلف از آن برای هر کس خیانت به امانت می‌باشد و نیز خدمت‌گزاران صدیق به مردم مورد تشویق مناسب قرار خواهند گرفت.» (مهناز بادران، مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با عفاف و حجاب، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۳۹۷، ص ۱۰۲) همچنین مطابق با «قانون بازسازی نیروی انسانی و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت»؛ ماده ۱۴، مصوب ۵ مهر ۱۳۶۰ اعمال خلاف اخلاق عمومی جرم محسوب شد و مطابق با ماده ۱۸ این قانون عدم رعایت حجاب اسلامی، عملی خلاف اخلاق عمومی محسوب شد:

«فصل دوم- انواع جرائم و خطاها

ماده ۱۴- جرائم و خطاها که در این قانون مطرح است چهار قسم است:

۱. جرائم سیاسی و نظامی
  ۲. جرائم مالی و اداری
  ۳. تخلف‌های انضباطی
  ۴. اعمال خلاف اخلاق عمومی
- ماده ۱۸- اعمال خلاف اخلاق عمومی عبارت است از:
۱. اعمال منافعی عفت عمومی
  ۲. تجاهر به فسق و فجور
  ۳. استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر
  ۴. اعمال و رفتار خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغلی
  ۵. عدم رعایت حجاب اسلامی
  ۶. نشر و توزیع نوارهای مبتذل و یا عکس‌های مستهجن و صور قبیحه.»

همچنین مجلس شورای اسلامی ۱۷ تیر ۱۳۶۱ با تصویب «قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران» زمینه پیش‌گیری از ترویج بی‌حجابی را فراهم نمود:



از اهتمام ویژه حاکمیت به مدیریت مسئله حجاب از طریق مجاری حقوقی دارد.<sup>۱</sup> مهم‌ترین مصوبات قانونی مرتبط با مسئله حجاب به قرار ذیل می‌باشد:

قانون بازسازی نیروی انسانی مؤسسات دولتی و وزارتخانه‌های وابسته به دولت (۱۳۶۰/۷/۵)،<sup>۲</sup> قانون مطبوعات (۱۳۶۴/۱۲/۲۲)،<sup>۳</sup> قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور (۱۳۶۴/۱۲/۲۲)،<sup>۴</sup> تصویب «قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند.» (۱۳۶۵/۱۲/۲۸)،<sup>۵</sup> آئین‌نامه حفظ حدود و آداب اسلامی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (۱۳۶۶/۵/۶)،<sup>۶</sup> رعایت حجاب اسلامی در محیط کلیه دستگاه‌های اجرایی - بخشنامه نخست‌وزیری (۱۳۶۸/۹/۲۵)،<sup>۷</sup> ابلاغیه رعایت ظواهر شرعی و حجاب اسلامی در محیط کار قوه قضائیه

→ «ماده ۱۹ - در کلیه برنامه‌ها به ویژه اخبار، مسائلی که حاوی نکات زیر باشد، قابل پخش نیست. الف. جزء اسرار نظامی، سیاسی، اقتصادی کشور محسوب شود و یا بر اثر انتشار مورد سوءاستفاده دشمن قرار گیرد.

ب. تهمت به نهادها و ارگان‌های رسمی کشور و گروه‌ها و جمعیت‌ها و احزابی باشد که طبق قانون احزاب فعالیت آنها قانونی است.

ج. پخش آن موجب فساد اخلاق و هتک حرمت جامعه گردد «ان‌الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا...» (سوره نور، آیه ۱۹)

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۵ مرداد ۱۳۶۲، و تبصره ماده ۱۰۲ بی‌حجابی در معابر و انظار عمومی جرم محسوب شد:

«ماده ۱۰۲ - هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.

تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.» و مطابق با ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵:

«ماده ۱۴۱ - هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» رجوع شود به: سایت رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس، سامانه قوانین: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92683>

۱. در برخی منابع، قوانین مرتبط با مسئله حجاب به نحو تفصیلی آمده است. به عنوان نمونه رک: مهناز بادران، مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با عفاف و حجاب و اخلاق و عفت عمومی، همان.

۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90230>.

۳. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83554>.

۴. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83384>.

۵. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/85610>.

۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100899>.

۷. رعایت ظواهر شرعی و حجاب اسلامی در محیط کار: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/131400>.





(۱۳۶۸/۹/۲۵)،<sup>۱</sup> تکلیف کلیه وزارخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، بانک‌ها و مؤسسات وابسته به آنها به مراقبت کامل لزوم پوشش کارکنان و ارباب رجوع مطابق ضوابط اسلامی در محیط کلیه دستگاه‌ها (۱۳۶۹/۲/۹)،<sup>۲</sup> ابلاغیه قوه قضائیه: بر خورد قاطع و اعمال اشد مجازات درباره ترویج دهندگان فرهنگ منحط و مغایر با شئون اسلامی (۱۳۷۲/۳/۴)،<sup>۳</sup> قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۱۳۷۲/۹/۷)،<sup>۴</sup> قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش (۱۳۷۴/۶/۱۴)،<sup>۵</sup> تکمیل آئین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴/۶/۱۴)،<sup>۶</sup> اصول و مبانی و روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف (۱۳۷۶/۱۱/۱۴)،<sup>۷</sup> مصوبه راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف (۱۳۸۴/۵/۴)،<sup>۸</sup> تدوین سیاست‌های ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی (۱۳۸۴/۷/۲۶)،<sup>۹</sup> قانون ساماندهی مد و لباس (۱۳۸۵/۱۰/۱۲)،<sup>۱۰</sup> مصوبه اختصاص مبلغ یک میلیارد ریال به منظور تحقق هدف‌ها و وظایف پیش‌بینی شده در قانون ساماندهی مد و لباس به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۶/۷/۲۹)،<sup>۱۱</sup> دستورالعمل صدور مجوز برپایی نمایشگاه مد و لباس (۱۳۸۷/۲/۱۶)،<sup>۱۲</sup> آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی مد و لباس (۱۳۸۷/۴/۹)،<sup>۱۳</sup> دستورالعمل صدور مجوز برپایی نمایشگاه/ جشنواره مد و لباس ایرانی-اسلامی (اصلاحیه- مصوب ۱۳۸۸/۳/۹)،<sup>۱۴</sup> سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰/۱۰/۶)،<sup>۱۵</sup> مصوبه فرآیند و مرجع تدوین سند ملی مد و لباس (۱۳۹۹/۴/۲۵)،<sup>۱۶</sup>

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/131400>.

۲. سامانه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/98691>.

۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/131481>.

۴. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83454>.

۵. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83524>.

۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100401>.

۷. همان: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100556>.

۸. سایت رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی: <https://sccr.ir/pro/1416>.

۹. همان: <https://sccr.ir/pro/1636>.

۱۰. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/116447>.

۱۱. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/118326>.

۱۲. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/249684>.

۱۳. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/120488>.

۱۴. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/124021>.

۱۵. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/184860>.

۱۶. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/286994>.



اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی مد و لباس (۱۳/۱۱/۱۴۰۰).<sup>۱</sup>

اختلاف میان موافقان و مخالفان قانونی شدن حجاب از ابتدای انقلاب وجود داشت و جنجال برانگیز نیز بود. جریان‌های غرب‌گرا و غیراسلامی همچون مجاهدین خلق در رد قانونی شدن حجاب اطلاعیه صادر کردند.<sup>۲</sup> و برخی روزنامه‌های زاویه‌دار نیز به پروپاگاندا و بزرگ‌نمایی نسبت به تظاهرات بخشی از زنان تهرانی، به مناسبت ۸ مارس و برخی شعارها علیه قانونی شدن حجاب اسلامی پرداختند. البته در مقابل، مردم مسلمان ایران که سخنان صریح امام خمینی نسبت به لزوم حفظ حجاب اسلامی در ادارات را شنیده بودند و مخالفت علنی این روزنامه‌ها با کلام امام را می‌دیدند به اعتراض و تجمع مقابل دفتر برخی از این روزنامه‌ها پرداختند.<sup>۳</sup> از جمله مخالفین قانونی شدن حجاب اسلامی سیمین دانشور بود که یادداشت وی در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ در صفحه شش روزنامه کیهان منتشر شد و ۲۶ اسفند ۱۳۵۷ جوابیه آن یادداشت که به گفته کیهان نویسنده‌اش یک دانش‌آموز بود، در همان روزنامه و همان صفحه منتشر شد. مطالعه وصیت‌نامه شهدای هشت سال دفاع مقدس (که شاخص و نمونه مناسبی از قشر متدین دهه شصت هستند) حاکی از فراوانی توصیه به حفظ حجاب است و این مطلب بیان‌گر این است که لزوم حفظ حجاب اسلامی لااقل در بخش قابل توجهی از قشر متدین به عنوان یک ضرورت مطرح بوده است.

امروز نیز همان خط انحرافی توسط برخی فراری‌های خارج از کشور و البته برخی مسئولین غرب‌زده دنبال می‌شود. به عنوان مثال سخنان معاونت امور زنان دولت حسن روحانی در مورد بازنگری در قانون عفاف و حجاب قابل ذکر است که به شدت مورد استقبال رسانه‌های معاند همچون دویچه‌وله (۲۷ تیر ۱۳۹۶) و رادیو فردا (۲۷ تیر ۱۳۹۶) قرار گرفت.

## صدور انقلاب

در بخشی از مدخل در موضوع صدور انقلاب، چنین آمده است:

رشته اصلی سیاست خارجی خمینی، رها شدن کامل از جهت‌گیری شدید غربی شاه و پذیرش نگرش خصمانه و بی‌رحمانه نسبت به هر دو ابرقدرت، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بود. علاوه بر این، ایران سعی کرده است برند (تعریف خود) از احیای اسلام (اسلام احیاشده) را به کشورهای همسایه مسلمان، به ویژه در میان شیعیان آنها صادر کند.

۱. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/296591>.

۲. کیهان، ۲۳ اسفند ۱۳۵۷.

۳. همان، ۲۰ اسفند ۱۳۵۷.





## نقد و بررسی

۱. مسئله «صدور انقلاب» به نحو تلویحی مورد نقد نویسندگان بریتانیکا قرار گرفته است؛ در حالی که اولاً حکومت‌های غربی چند دهه است که برای بسط تئوری‌های سیاسی خویش در اقصی نقاط جهان، مبالغه‌گفتی هزینه می‌کنند و در موارد متعدد از ابزارهای نامشروع برای بسط سیطره گفتمانی و سیاسی و فکری خویش بهره می‌برند که هجوم و اشغال عراق و افغانستان از آخرین نمونه‌های آن است که به ادعای واهی امریکایی‌ها برای صدور دموکراسی به این کشورها، ریختن خون میلیون‌ها نفر مسلمان بی‌گناه را بر خود جایز شمرده‌اند! لذا چنین کسانی صلاحیت اظهار نظر و نقد صدور تئوری انقلاب اسلامی به سایر کشورها را ندارند.

از این گذشته، ماهیت انقلاب اسلامی اقتضای آن دارد که در حصار ملیت و مذهب متوقف نیست لذا «استکبارستیزی» و «حمایت از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش» از مسائل ذاتی این نهضت دینی است که از ابتدای نهضت تا استقرار نظام و بعد از آن، در گام نخست چهل ساله، همواره ادامه یافته و در گام دوم نیز با قوت استمرار خواهد یافت. چیز پنهانی نبوده و نیست، موضوع غیر قابل دفاعی هم نیست؛ چرا که استکبارستیزی را می‌توان صفت ذاتی انقلاب اسلامی به‌شمار آورد؛ صفتی که در صورت کنار گذاشتن آن، انقلاب اسلامی دست‌خوش دگر دیسی هویتی خواهد شد. شعار «نه شرقی، نه غربی» که دال بر استکبارستیزی است، در بیان امام و مردم انقلابی ایران به صورت مستمر تکرار می‌شد<sup>۱</sup> و نادیده گرفتن آن نشان‌دهنده بی‌اطلاعی نویسنده یا فاصله گرفتن تعمدی او از ادبیات امام و شعارهای مردم است. امام به صورت جدی پیگیر تشکیل جبهه مستضعفین در مقابل مستکبرین جهان بود و می‌فرمود:

هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران! بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.<sup>۲</sup>

امام از حزب مستضعفین و وارث زمین شدن آنان سخن رانده<sup>۳</sup> و هر گونه سازش با مستکبرین را منتفی می‌دانست و می‌فرمود:

سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این

۱. صحیفه امام ج ۱۸، ص ۴۶۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۵۷؛ ج ۷، ص ۲۹۲؛ ج ۱۱، ص ۱۳۳ و ج ۱۵، ص ۱۷۱.

۳. همان، ج ۹، ص ۲۸۰.

سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند.<sup>۱</sup>

امام بر ضرورت نبرد مستضعفین و مستکبرین باور داشت و دستور پرخاش علیه مستکبرین را صادر می‌فرمود:

ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت‌ها پرخاش کنید.<sup>۲</sup>

موضوع «صدور انقلاب» که از روش‌های دعوت به اسلام و مقاومت و از راه‌های حفظ نظام است، در نظر امام یکی از تاکتیک‌های مبارزاتی علیه مستکبرین است؛ چنان که به فرموده ایشان:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الاالله و محمد رسول‌الله بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.<sup>۳</sup>

مسئله «حمایت از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش» و لزوم تشکیل امت واحده اسلامی نیز از مبانی محوری اندیشه سیاسی امام است و ایشان در این زمینه فرمودند:

کشور ایران با تمام قدرتی که دارد و با تمام قدرتی که خواهد پیدا کرد ان‌شاءالله، هیچ‌گاه نظر به این ندارد که تجاوز به یک ملت دیگر و یک کشور دیگر هر چه ضعیف باشد بکند، بلکه پشتیبان آنهاست. قدرت دارد، لکن قدرت خودش را صرف پشتیبانی از سایر مسلمین می‌کند.<sup>۴</sup>

دعوت به اسلام هم از داعیه‌های همیشگی امام بود که تا پایان حیات خویش بر آن پای فشرده و با نامه الهی - سیاسی به گورباچف نشان داد که ابایی از دعوت سران ابر قدرت‌ها نیز ندارد. برجسته کردن مسئله فلسطین و حمایت بی‌دریغ از مسلمانان بی‌دفاع فلسطین، تعیین روز جهانی قدس، مبارزه با رژیم صهیونیستی و غده سرطانی نامیدن آن، از اصول دینی برگرفته شده و مبنای حمایت از مسلمانان و جنبش‌های اسلامی می‌باشد. کمک‌های رژیم پهلوی به اسرائیل از دلایل عمده مبارزه امام با این رژیم بود.<sup>۵</sup> و اگر محقق مسئله فلسطین یا «صدور انقلاب» را از اندیشه امام حذف کند، طبیعتاً درک درستی از اندیشه امام ارایه نداده است.

۱. همان، ج. ۱۲، ص ۱۴۴.

۲. همان، ج. ۱۰، ص ۳۳۹.

۳. همان، ج. ۱۲، ص ۱۴۸.

۴. همان، ج. ۱۵، ص ۴۴۲.

۵. همان، ج. ۵، ص ۱۸۷.





## ماجرای تسخیر لانه جاسوسی

پیرامون مسئله تسخیر لانه جاسوسی نیز در عبارتی کوتاه و جهت دار چنین نوشته‌اند:  
 خمینی حمله ناگهانی و ستیزه‌جویانه ایرانیان به سفارت امریکا در تهران  
 (۴ نوامبر ۱۹۷۹) را تأیید کرد و پرسنل دیپلماتیک امریکایی را بیش از یک  
 سال به عنوان گروگان نگاه داشت.

صحت‌سنجی مدعای نویسندگان بریتانیکا در ماجرای «تسخیر لانه جاسوسی» که از آن  
 به عنوان «گروگانگیری پرسنل دیپلماتیک امریکایی» یاد کرده‌اند، نیازمند مرور تاریخی بر  
 روند رخدادهای مرتبط با این حادثه است.

بازخوانی این بخش از مدخل امام خمینی، ذهن را با این سؤال مواجه می‌کند که آیا جوانان  
 انقلابی ایران، بدون دلیل منطقی اقدام به تسخیر این مرکز کردند؟ آیا حرکت دانشجویان  
 پیرو خط امام «اشغال سفارتخانه امریکا» بوده است یا تعبیر «تسخیر لانه جاسوسی» و تعابیر  
 مشابه باید برای آن به کار رود که از یک سو دلیل این اقدام را در خود مستتر دارد و از طرف  
 دیگر، ادبیات رسمی نظام اسلامی در تمام سال‌های پیشین بوده است؟ آیا به نظر نویسنده،  
 سفارت امریکا لانه جاسوسی نبوده است؟

نکته مهمی که خود نشانه دیگری از جهت‌دار نویسی است، عدم اشاره به دلیل تسخیر  
 لانه جاسوسی است که در نتیجه آن، چنین القا شده است که دانشجویان انقلابی بدون دلیل  
 منطقی به این اقدام دست زده‌اند. بهتر بود به دلیل تسخیر که پناه دادن امریکا به شاه و امتناع  
 از تحویل او به ایران بود و نیز نقش موسوی خویینی‌ها<sup>۱</sup> و عدم اطلاع اولیه امام از ماجرای این  
 تسخیر نیز اشاره می‌شد.<sup>۲</sup>

اشاره همراه با تعریض و کنایه به حمایت تمام‌عیار امام از اقدام دانشجویان خط امام از  
 جهات مختلف قابل تحلیل است و اگر چه نویسندگان بریتانیکا با اتکا به این حمایت پسینی، به  
 دنبال محکوم کردن امام هستند اما حمایت قاطع امام از تسخیر لانه جاسوسی، امری مستدل  
 و کاملاً قابل دفاع و از اقدامات تاریخی ایشان است که در سایه مرور روند رخدادها، کاملاً  
 روشن خواهد شد.

۱. برای اطلاع بیشتر از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی و نقش موسوی خویینی‌ها، رک: محمدرضا امینی، سراب  
 سیاست، قم، اشراق حکمت، ۱۳۹۰.

۲. امام خمینی در مورد عدم اطلاع از قصد اولیه دانشجویان تسخیرکننده لانه جاسوسی، می‌فرماید: «من احتمال  
 نمی‌دادم که آقای کارتر بر خلاف همه موازین بین‌المللی عمل بکند و اینجا را مرکز جاسوسی و مرکز توطئه و مرکز  
 حکومت بر ملت قرار بدهد. ما حالا بعد از اینکه جوان‌های ما رفتند و شاید آنها روی این احتمالات رفته باشند که  
 من نمی‌دانم که آنها روی چه احتمال رفتند و مورد تأیید همه ملت ما شده است.» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۸۲)

امام خمینی تسخیر لانه جاسوسی را «یک انقلاب زیاده‌تر از انقلاب اول» نامیدند<sup>۱</sup> و طی یک سخنرانی در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ در قم به دفاع از آن پرداختند.<sup>۲</sup>

پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، جیمی کارتر رئیس‌جمهوری آمریکا (احتمالاً با هماهنگی عوامل داخلی، به‌خصوص چند عضو کابینه دولت موقت)،<sup>۳</sup> «رمزی کلارک» و «ویلیام میلر» را برای ملاقات با امام خمینی به ایران اعزام داشت. در حالی که نمایندگان اعزامی به ترکیه رسیده بودند و خود را برای سفر به ایران آماده می‌کردند، پیام فوق‌الذکر حضرت امام صادر شد و آنان بدون اخذ نتیجه به آمریکا بازگشتند. پیام کوتاه و مختصر حضرت امام بلافاصله در جهان و رسانه‌های گروهی بین‌المللی انعکاس گسترده و کم‌نظیری یافت. یادگار حضرت امام آقای سید احمد خمینی در این باره تصریح می‌کنند:

حضرت امام به محض اطلاع، اعلامیه‌ای صادر فرمودند و در آن اطلاعیه هیأت امریکایی را نپذیرفتند و به همه اعضای شورای انقلاب، هیأت دولت موقت و سایر مسئولین تذکر دادند که هیچ‌کس حق ملاقات با

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۹۳.

۲. همان، ص ۴۹۲.

بخشی از سخنان امام به شرح ذیل است:

«آن مرکزی هم که جوان‌های ما رفتند گرفتند - آن طور که اطلاع دادند - مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند. و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند. باز ریشه‌های فاسد به فعالیت افتاده بودند که ما هم دخالتی نکنیم و جوان‌ها را بگوییم که شما بیرون بیاید از آنجایی که رفتند. جوان‌ها یک کاری کردند برای اینکه دیدند، آخر ناراحت کردند این جوان‌ها را. یک شاهی که در طول پنجاه سال این مملکت را به غارت کشیده است و به چپاول برده است و داده است و داده خوردند و خودش خورده است، و بالاتر از این، این قدر قتل نفس کرده است، کشتار عمومی کرده است... توقع دارند که یک کسی که پنجاه سال به این ملت آن طور کرده است و حالا آمریکا با یک بهانه بی‌خود او را برده است نگه داشته در پناه خودش، و برایش وسایل آرامش تهیه کرده است، و به اسم مریض بودن یا به واقع مریض بودن - فرقی نمی‌کند - او را برده در آنجا و نگه داشته، و جوان‌های ما که آنجا اظهار مخالفت می‌کنند، آنها را یا متفرق می‌کنند یا حبس می‌کنند. به همین دو، سه روز که در آن مجسمه آزادی - که یک دروغ شاخ‌داری است در آمریکا، آزادی - جوان‌های ما رفتند به آنجا متوسل شدند و یک پارچه بستند به آنجا که شاه را باید بدهید. پلیس رفته و آنها را متفرق کرده و چند نفر از آنها را گرفته است. توقع این هست که جانی دست‌اول ما را ببرند آنجا نگه دارند و حمایت از او بکنند، و اینجا هم مرکز توطئه درست کنند، و مرکز پخش چیزهایی که توطئه‌گری است درست بکنند، نمی‌دانم، همه چیزهایی که می‌خواهند بکنند، بکنند و ملت ما و جوان‌های ما و جوان‌های دانشگاهی ما و جوان‌های روحانی ما بنشینند تماشا کنند تا خون این صد هزار نفر تقریباً - یا کمتر و بیشتر - هدر برود، برای اینکه احترامی قائل بشوند به آقای کارتر و امثال اینها. توطئه‌ها نباید باشد. البته اگر توطئه نبود، اگر این خرابکاری‌ها نبود، اگر آن کار فاسد نبود، همه مردم آزادند در اینجا موجود باشند. اما وقتی توطئه هست در کار، وقتی که آن طور کارهای فاسد انجام می‌گیرد، ناراحت می‌کند جوان‌های ما را. جوان‌ها توقع دارند در این دنیا که مملکتشان - که این قدر برایش زحمت کشیدند - دستشان باشد. وقتی می‌بینند توطئه است که می‌خواهند که دوباره بر گردد به حال سابق و دوباره همه چیزشان به باد برود، نمی‌توانند بنشینند».

۳. همان، ص ۵۰۴.



این هیأت امریکایی را ندارد. نکته قابل توجه در این اعلامیه آن است که این تنها اعلامیه حضرت امام است که بدون «بسم الله الرحمن الرحیم» است همانند سوره برائت در قرآن کریم.<sup>۱</sup>

پیام امام به شورای انقلاب و مسئولان دولتی مبنی بر «عدم ملاقات با نمایندگان امریکا»، در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۵۸، صادر شد.<sup>۲</sup> در جای دیگر امام خمینی، ضمن یادآوری سازش ناپذیری خود با رژیم شاه در ابتدای نهضت، بار دهر نوع مذاکره با امریکایی‌ها، پیش شرط هر مذاکره‌ای را تحویل شاه، و دست برداشتن از توطئه علیه ایران و همچنین انسانی شدن روابط خصمانه دولت امریکا با مردم ایران بر می‌شمارند. ایشان ضمن اشاره به ریشه‌های تاریخی خیانت‌های امریکا، صراحتاً به طرح برخی مطالبات مهم ملت از جمله استرداد شاه پرداخته، امریکا را در موضع ضعف و انفعال قرار می‌دهد.<sup>۳</sup>

مقارنت استعفای دولت موقت با تسخیر لانه جاسوسی، حرکتی معنادار تلقی می‌شود که ناظر به پیوند فکری اعضای نهضت آزادی با دولت امریکا و نشانه اختلاف بنیادین با

۱. مجموعه آثار یادگار امام حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۰۴.

متن این پیام تاریخی به قرار زیر است:

«از قرار اطلاع نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند. لهذا لازم می‌دانم متذکر شوم دولت امریکا که با نگهداری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از طرفی دیگر آن طور که گفته شده است سفارت امریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، لذا ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این:

۱. اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.

۲. هیچ یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند.

۳. اگر چنانچه امریکا، شاه مخلوع - این دشمن شماره یک ملت عزیز ما - را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد. روح‌الله الموسوی الخمینی.»

۳. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶.

در بخشی از سخنان امام چنین می‌خوانیم:

«روابط اینها با همه جا داشتند، مرکز جاسوسی شاید شرق بوده اینجا. اینجا را جای امنی برای خودشان درست کرده بودند. آقای «آریامهر» اینجا را تقدیم کرده بود به اینها هر کاری بخواهند بکنند. مرکز جاسوسی همه جا بوده، می‌گویند نه مخصوص به ایران بوده است، برای همه جا. اینجا مرکزیت برای همه جا داشته است، و مرکز توطئه برای همه جا بوده است. این مرکز را از اینجا کلکش را بکنند، و آن خائن را هم دست ما بدهند تا [برای] ما جای این پیدا بشود که حالا ما بنشینیم یک صحبتی بکنیم. در زمان محمدرضا - آن اوایل نهضت - دست و پا می‌کردند که یک تفاهمی بشود. یکدفعه که آمدند پیش ما که می‌خواهیم که مثلاً ملاقاتی، چیزی طرح بشود، من به ایشان گفتم که «علم» هستش؛ ما وارد مذاکره نمی‌شویم. شما اول «علم» را کنار بگذارید، بعد وارد مذاکره بشویم، ببینیم چه بگوییم. حالا ما این مرکز جاسوسی در اینجا بیاست، و تا آن خائن را که آنجا بردند و آنجا هم یک مرکز جاسوسی دیگر می‌خواهند درست بکنند و یک مرکز توطئه دیگر می‌خواهند درست بکنند. تا آن آنجاست و این آنجاست، جای صحبت نیست. نه من صحبت می‌کنم نه کس دیگر. وقتی این دو تا از بین رفت، آن وقت بنشینیم ببینیم باید چه بگوییم. ببینیم که آیا رابطه ما، رابطه یک مظلوم با یک ظالم، یا قلدر با یک مستضعف است. نه، ما دیگر رابطه‌ای نداریم، و اگر رابطه انسانی است، روابط انسانی با هیچ جا مانعی ندارد، و ما با ملت‌ها خوب هستیم.»

مسئله «صدور انقلاب» به نحو تلویحی مورد نقد نویسندگان بریتانیکا قرار گرفته است؛ در حالی که حکومت‌های غربی چند دهه است که برای بسط تئوری‌های سیاسی خویش در اقصی نقاط جهان، مبالغه‌گفتنی هزینه می‌کنند و در موارد متعدد از ابزارهای نامشروع برای بسط سیطره گفتمانی و سیاسی و فکری خویش بهره می‌برند

اندیشه‌های سیاسی امام و جامعه انقلابی ایران است. در متن استعفای مهندس بازرگان، از «دخالت‌ها، مزاحمت‌ها، مخالفت‌ها و اختلاف نظرها» به عنوان عواملی که «انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای بازرگان و همکارانش غیرممکن ساخته» یاد شده است.<sup>۱</sup>

اعتراض پر دامنه فعالان سیاسی-اجتماعی و توده‌های انقلابی به دیدار برخی از اعضای دولت موقت با برژینسکی- معاون امنیتی کارتر- یکی از زمینه‌های تسخیر لانه جاسوسی است که در بیانیه‌ها و گفت‌وگوهای مطبوعاتی نیز نمود یافته است. مسعود

بهنود از فعالان مطبوعاتی اصلاح طلب، در کتاب ۲۷۵ روز بازرگان، ضمن اشاره به این دیدار، بخشی از اعلامیه اعتراضی طلاب حوزه علمیه قم در اعتراض به ملاقات جنجالی بازرگان- برژینسکی را انعکاس داده است. این اعلامیه در ۱۳ آبان ۵۸، و به امضای حوزه علمیه قم، انتشار یافت و در آن، ضمن حمایت از تسخیر سفارت آمریکا، برای نخستین بار از آن به عنوان «لانه جاسوسی» تعبیر شد. این اعلامیه، ضمن اشاره به موضع قاطع امام، به تقابل دو خط موازی در ایران می‌پردازد، و دولت موقت به عنوان نماد خط آمریکا و در مقابل خط دشمنی با آمریکا معرفی می‌شود. در بخشی از این بیانیه آمده است:

در این هنگامه ناگهان جرس فریاد بر می‌دارد که ملاقاتی با برژینسکی معاون امنیتی کارتر صورت گرفته و تازه متوجه می‌شویم که بدون اجازه امام بوده است و دو خط به وجود می‌آید؛ خط آمریکا و خط دشمنی با آمریکا.<sup>۲</sup> در کتاب ۲۷۵ روز بازرگان، از گفت‌وگوی مطبوعاتی دانشجویان تسخیر کننده سفارت آمریکا نیز گزارشی انعکاس یافته که حاوی مطالب مهمی است. بر اساس مطالب طرح شده در

۱. متن این استعفا که مندرج در روزنامه‌های کثیرالانتشار روز ۱۵ آبان ۵۸ بوده است، در پی می‌آید: «بسم الله الرحمن الرحیم. حضور محترم حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمينی با کمال احترام معروض می‌دارد پیر و توضیحات مکرر و نظر به اینکه دخالت‌ها، مزاحمت‌ها، مخالفت‌ها و اختلاف نظرها، انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای همکاران و اینجانب مدتی است غیرممکن ساخته و در شرایط تاریخی حساس حاضر نجات مملکت و به ثمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی‌باشد، بدین وسیله استعفای خود را تقدیم می‌دارد تا به نحوی که مقتضی می‌دانند کلیه امور را در فرمان رهبری بگیرند یا داوطلبانی را که با آن‌ها هماهنگی وجود داشته باشد مأمور تشکیل دولت فرمایند. با عرض سلام و دعای توفیق. مهدی بازرگان، ۵۸/۸/۱۴»؛ مسعود بهنود، ۲۷۵ روز بازرگان، تهران، علم، ۱۳۸۸، ص ۸۰۵-۸۰۴.

۲. همان، ص ۸۰۰.





این گفت و گوی مطبوعاتی، دانشجویان تسخیر کننده لانه جاسوسی می گویند که فکر تسخیر مربوط به مدت ها قبل بوده است ولی «مذاکرات دولت با هیئت امریکا و پیام امام»، کار آنها را تسریع کرده است.<sup>۱</sup>

معصومه ابتکار به دیدار بازرگان و برژینسکی اشاره می کند و به واکنش منفی مردمی نسبت به ارتباط سران دولت موقت با نمایندگان دولت امریکا در الجزایر، می پردازد و می نویسد:

ملاقات الجزیره در ۴ آبان ماه ۱۳۵۸ میان زیبگینیف برژینسکی مشاور امنیت ملی جیمی کارتر و مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی برگزار شد.<sup>۲</sup> بلافاصله پس از پخش خبر این ملاقات در تهران، دو میلیون تظاهرات کننده خشمگین با شعار مرگ بر امریکا به خیابان ها ریختند.<sup>۳</sup>

آن گونه که می خوانید، مذاکرات اعضای دولت موقت با هیئت امریکایی به سرپرستی برژینسکی، یکی از دلایل تسخیر لانه جاسوسی عنوان شده است. اقدام مشکوک دولت موقت در الغای یک طرفه قراردادهای اقتصادی-تسلیماتی ایران با امریکا، یکی دیگر از نشانه های پیوند فکری اعضای دولت موقت با دولت امریکاست. این اقدام نسنجیده، بهانه ای برای استنکاف دولت امریکا از باز پس دادن مبالغ پیش پرداخت قراردادهای ایران گشت و تاکنون منشأ خسارت های مالی فراوان شده است. در این زمینه، تاکنون موضع گیری روشنی از سوی وزیر امور خارجه وقت دولت موقت- ابراهیم یزدی- صورت نگرفته است. در روز ۱۴ آبان ۵۸ که استعفای دولت موقت در همین روز اتفاق افتاده است، دولت موقت در آخرین اقدام مهم خود، «به پیشنهاد وزارت امور خارجه، همکاری با ایالات متحده امریکا را که در ۱۴ اسفند ۱۳۳۷ منعقد شده بود، لغو کرد.»<sup>۴</sup>

در روز ۱۴ آبان و تنها یک روز پس از تسخیر لانه جاسوسی، هیئت دولت ضمن تشکیل جلسه ای طولانی، تصمیم به استعفا گرفت.<sup>۵</sup> خانم معصومه ابتکار از دانشجویان تسخیر کننده لانه جاسوسی، در روایت مکتوبش از ماجرای تسخیر، به رابطه علنی کابینه دولت موقت با امریکا می پردازد و می گوید: «مهدی بازرگان که دولت خود را به چاقویی بی دسته تشبیه

۱. همان، ص ۸۰۳.

۲. جیمز ا. ایل، به نقل از شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و امریکا، ترجمه فروزنده برلیان و دیگران، تهران، فاخته، ۱۳۷۱، ص ۲۹۴.

۳. معصومه ابتکار، تسخیر: اولین روایت مکتوب از درون سفارت تسخیر شده امریکا در تهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰.

۴. همان.

۵. مسعود بهنود، همان، ص ۸۰۴.





کرد، رابطه علنی با امریکا برقرار نموده بود، آنها به خاطر سادگی بر باد رفتند.»<sup>۱</sup> وی در ادامه به نقل از جیمز بیل، می‌نویسد: «برخی از میان‌روها عقیده داشتند در شرایطی که دشمنان کشور را محاصره کرده‌اند، حمایت امریکا بسیار مهم است.»<sup>۲</sup>

معصومه ابتکار پس از تحلیل مشی سیاسی اعضای دولت موقت و اشاره به رابطه آنان با دولت امریکا، از اسناد این ارتباط سخن به میان می‌آورد.<sup>۳</sup>

در برخی منابع معتبر می‌خوانیم که بنی‌صدر نیز همانند سران دولت موقت، عملکرد دانشجویان را زیر سؤال می‌برد و تلاش می‌کرد با همکاری قطب‌زاده، به هر قیمت ممکن، گروگان‌ها را تحت نظارت دولت قرار دهد و سپس زمینه آزادی آنان را فراهم کند.<sup>۴</sup> معصومه ابتکار در خصوص عملکرد بنی‌صدر در زمینه آزادی گروگان‌ها می‌گوید: «ما متقاعد شده بودیم بنی‌صدر فعالانه سعی می‌کند با اطرافیان کارتر معامله کند.»<sup>۵</sup> وی در جای دیگر با اشاره به روابط پنهانی بنی‌صدر با امریکایی‌ها می‌گوید: «احتمالاً تماس‌های مخفیانه بنی‌صدر با سازمان سیا در ماه‌های بعد نیز ادامه یافت. همان‌طور که اسناد سفارت نشان می‌داد، سازمان سیا در درازمدت نزدیکی به بنی‌صدر را مثبت ارزیابی کرده بود.»<sup>۶</sup>

توجه به مطالب مذکور نشان می‌دهد که تسخیر لانه جاسوسی، بر اساس عملکرد خرابکارانه دولت امریکا در پناه دادن شاه و پیگیری مذاکرات پنهانی با عناصر خودباخته داخلی و تبدیل سفارت‌خانه به مرکز جاسوسی و توطئه علیه انقلاب نوپای اسلامی صورت گرفته و از همه مهم‌تر، اگرچه این اقدام در ابتدای امر در محافل نخبگانی و دانشجویی پی‌ریزی شده اما در ادامه از پشتوانه کاملاً مردمی برخوردار بوده است. لذا حمایت امام از

۱. معصومه ابتکار، همان، ص ۹۸.

۲. همان.

۳. ابتکار چنین نوشته است:

«اکنون که به گذشته می‌نگریم، دولت موقت را آمیزه‌ای از محافظه‌کاران می‌یابیم. این دولت ناگزیر نمی‌توانست در برابر فشارها مقاومت کند و وظایف خود را به انجام برساند. آنها برخلاف روح انقلاب، زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد به تماس با امریکا و سایر عناصر خارجی پرداختند. از جمله می‌توان به ملاقات ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت با مشاور امنیت ملی امریکا زبیبگیتیف پرژینسکی در الجزیره اشاره کرد. بر اساس اسنادی که بعدها در سفارت به دست آمد، مشخص شد افرادی مستقیماً در تماس‌های خارجی و حتی توطئه علیه نهادهای جوان انقلاب، شرکت داشتند.»

ابتکار با انتقاد از رویه غیرانقلابی دولت موقت، به اتکای فزاینده اعضای آن به دولت امریکا و بی‌اعتنایی‌شان به قدرت‌های مردمی می‌پردازد. وی معتقد است که: «دولت موقت به جای اتکا به مردم و منابع بی‌پایان آن، سعی کرد با دشمنی که بیش از همه از انقلاب ضرر و از بی‌ثباتی و تضعیف جمهوری جوان سود می‌کرد، به توافق برسد.» رک: همان، ص ۱۰۰.

۴. احمد رضا شاه‌علی، انقلاب دوم: تسخیر لانه جاسوسی امریکا، آثار و پیامدها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸ به نقل از: فاطمه نظری کهره، بنی‌صدر از ظهور تا سقوط، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۵.

۵. معصومه ابتکار، همان، ص ۳۱۷.

۶. همان، ص ۳۱۸.

این اقدام، کاملاً قابل دفاع و منطقی است و اگر ایشان چنین نمی کردند، شاید یکی از ابهامات تاریخی رقم می خورد.

## حرم امام

در مورد حرم امام نیز در عبارتی غیر علمی و متضمن تعریض و طعنه، چنین نوشته اند:  
و گنبد طلایی و مجلل او در گورستان بهشت زهرا تهران، به حرمی برای حامیانش تبدیل شد.

### نقد و بررسی

در این فراز کوتاه نیز دو نکته مهم وجود دارد؛ نخست اشاره به مجلل بودن حرم امام خمینی و ثانیاً اعتراض و کنایه به تبدیل شدن مرقد امام به عنوان حرم حامیان ایشان. پیرامون نکته نخست به تفصیل سخن خواهیم گفت اما در مورد نکته دوم گفتنی آن که مرقد امام صرفاً به یک طیف خاص که از آن به عنوان حامیان امام تعبیر شده اختصاص ندارد و در حقیقت قاطبه مردم ایران و بلکه همه دوستداران امام و آزادی خواهان جهان، به این مرقد شریف به عنوان نقطه الهام بخش همه جنبش های الهی و آزادی بخش می نگرند لذا تلاش نویسندگان بریتانیکا برای القای کاهش عظمت این محل مقدس، بی نتیجه است.

در مورد بنای حرم امام خمینی اما نقد و نظرهای مختلفی مطرح شده و از سال ها پیش از افتتاح آن، پیش بینی می شد که ساخت چنین بنای مجللی مورد سوءاستفاده معاندان و دلسردی محرومین و مستضعفان قرار گیرد و اکنون می بینیم در این مدخل چنین شده است. از آنجا که حضرت امام رهبر یک انقلاب دینی است و حرم ایشان یک مکان مقدس است، توجه به مفاهیم دینی مرتبط با معماری، و تداعی معانی القایی از مشاهده سازه حرم مطهر، مسئله ای بسیار مهم است که نباید از پرداختن به آن در بخش مربوط به معرفی حرم امام غفلت کرد. نقدی که پس از افتتاح سازه حرم در طیف گسترده ای از زائران و دوستداران حضرت امام مطرح شد، تجملات غیر ضروری و معماری اشرافی حرم بود. این نقدها وقتی به متولیان امر وارد می شد که زائران، به زیارت امامی آمده بودند که ساده زیستی، یکی از شاخصه های شخصیتی بارز او در تمام عمر بوده است. امامی که با تأسی به مولای متقیان، علی (ع)، تا واپسین روزهای حیات نورانی شان بر عهد با محرومین و بر سلوک ساده زیستی استوار بودند. با وجود این، چگونه وقتی امام در تمام سال های حیات خود، ساده زیستی را مبنای انتخاب خانه و استفاده از امکانات زندگی قرار می دهند، حتی اجازه تکمیل حسینیه جماران را نداده است، از ساخت حرمی مجلل و خارج از عرف که تداعی کننده نوعی تجمل و اشرافیت ناسازگار با روحیه و سیره امام است، ناراضی نباشند. بدیهی است توسعه حرم شریف امام و ایجاد امکانات مختلف به واسطه تشریف میلیونی زائران مزار ایشان، هیچ مورد



نظر و نقد نیست، چه اینکه حسینیّه ایشان در جماران نیز در زمان حیات امام در جوار بیت شریفشان مورد رفت و آمد مردم بود. آنچه مورد نقد جدی است زیور آرای و تجملات غیر ضروری و زرق و برق‌هایی است که اذهان زائران را با پرسش‌های جدی در مورد ناسازگاری این سازه با سیره و سلوک امام مواجه می‌کند.

این رویه غلط و مغایر با سیره و اندیشه امام موجب دل‌آزردگی و ناراحتی طیف‌های مختلف مردمی و موجب واکنش‌های منفی بسیار، به متولیان بازسازی حرم امام شده است که در این نوشته هیچ بازتابی از این واکنش‌های منفی مردمی و نخبگانی مشاهده نمی‌شود. امام در حکم اولیه برای مصلاّی تهران در روز ۲۳ آبان ۱۳۶۷ می‌نویسد:

ان شاءالله در کنار ساختن مصلاّی تهران، در ساختن بینش کفرستیزی مسلمانان موفق باشید. ضمناً سادگی مصلاّ باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد. و شدیداً از زرق و برق ساختمان‌های مساجد اسلام امریکایی جلوگیری شود. خداوند تمامی دست‌اندرکاران برپاکننده مساجدالله را تأیید فرماید.<sup>۱</sup>

در این متن تاریخی، امام بر سادگی تأکید کرده و زرق و برق‌ها را مختص مساجد اسلام امریکایی معرفی کرده‌اند. مؤسسه حفظ آثار امام به عنوان سازندگان بنای جدید حرم امام، دقیقاً پای‌جای همان اسلام امریکایی گذاشته و حرمی خلاف شأن امام خمینی برای ایشان تدارک دیده‌اند. مسئله‌ای که در هنگام افتتاح این بنا، مورد نقد جدی طیف‌های مختلف از فعالان سیاسی قرار گرفت.<sup>۲</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۸۹-۱۸۸.

۲. به عنوان نمونه مسیح مهاجری مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی و از نزدیکان هاشمی رفسنجانی، در یادداشتی به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴ با عنوان «فاصله حرم تا فرهنگ امام خمینی» می‌نویسد: «فضای بسیار وسیع، سقف و پایه‌های بسیار مستحکم و دیوارهای ضخیم بتونی اطراف، چنان توجه مرا به خود جلب کرده بودند که نتوانستم با حال عادی همیشگی مشغول زیارت شوم و بدون آن که بفهمم چه کرده‌ام از همان مسیر برگشتم و غرق در این تفکر شدم که آیا امام خمینی با این هزینه کردن برای مقبره خود موافق است؟ در مسیر رفت، به هتل، تالارها، پاساژها، فروشگاه‌ها، گلدسته‌ها، گنبد‌های کوچک و بزرگ و سایر ساخت‌وسازهای پرزرق و برق که در مجموعه‌ای با عنوان حرم امام خمینی ساخته شده‌اند خیره شده بودم و بدون آن که ذره‌ای تردید کنم آنها را وصله‌های ناچسبی برای حرم امام خمینی یافته بودم، اما هنگامی که آن تونل و آن فضای وسیع و پرهزینه زیرزمین را دیدم، غربتی وصف‌ناشدنی برای امام خمینی احساس کردم که تا آن روز، احساس نکرده بودم. در مسیر بازگشت، تا زمانی که به خانه رسیدم، نتوانستم خود را از سؤالی که با آن درگیر شده بودم رها کنم. فردای آن روز، آنچه دیده بودم را با یکی از دوستان مطرح کردم. او گفت طبقه بالای حرم را اگر دیده بودی چه می‌کردی؟» رک: جمهوری اسلامی، س ۳۶، ش ۱۰۳۱۰، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۳.

چند روز بعد محمدعلی انصاری سرپرست آستان امام خمینی و سرپرست مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، طی یادداشتی طولانی به مسیح مهاجری پاسخ داد: «جناب آقای مهاجری! به یقین حرم‌های ائمه و امامزادگان برجسته با همه رزق و برق و گنبد و گلدسته و رواق و ایوان‌های طلاکاری شده و ضریح‌های مرصع که هر روز بر شکوه و عظمت آنان افزوده می‌شود نه تنها- آن‌گونه که جنابعالی در نوشته‌تان القا کرده‌اید- مایه غربت اهل بیت نیستند که مایه عظمت و افتخار شیعیان و یکی از مهم‌ترین عوامل ماندگاری یاد و نام آنان می‌باشند. تصور نمی‌کنم میان زندگی زاهدانه مولای متقیان که به فرموده او شیعیان طاققت تحمل آن را ندارند با حرم مجلل او در نجف اشرف و صله ناچسبی وجود داشته باشد. من فکر می‌کنم مشکل از اینجا سرچشمه می‌گیرد که ما تصور کنیم حرم امام یعنی خانه امام در جماران و قم».



→ رک: «پاسخ محمدعلی انصاری به شبهه‌های مطرح‌شده درباره ساخت حرم امام خمینی»، سایت خبر آنلاین، دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۴ - ۱۴:۲۵:۴۶، به نشانی: <http://www.khabaronline.ir>

یحیی نوریان کارشناسی ارشد معماری در مقاله‌ای به نقد علمی بنای حرم امام خمینی پرداخت و چنین نوشت: «معماری جدید مرقد امام خمینی (ره) یک معماری التقاطی است که آمیخته‌ای از معماری مسیحی، نگاره‌های اسلامی، عناصر ایران باستانی و یا عناصر ابداعی و دست آخر موتیف‌هایی شیعی را در کنار هم به نحوی غیراصولی و غیرهنرمندانه جمع کرده است. به این ترتیب مانند هر معماری التقاطی دیگر ظرفیت آن را دارد که در هر جزء خود ستودنی باشد و در کلیاتش انتقاد هر متخصصی را برانگیزد؛ هر چند به نظر می‌رسد به دلیل فرمایش‌های گوناگون اولیای امر، چندان در اجرا هم موفق ظاهر نشده است. عمده تلاش در معماری اخیر حرم امام را می‌توان معطوف به اشرافیت و استیلاطلبی مسئولین امر دانست که به نوعی با بدیل‌های مسیحی عصر باروک تطابق دارد و با اشارات مستقیم رهبری در مورد خطر تحریف امام مستضعفین نیز بی‌ارتباط نیست. جالب توجه آنکه در آن دوران نیز اشراف و اربابان کلیسای مسیحی فکر می‌کردند با تجمل و شکوه هر چه بیشتر می‌توانند جایگاه اجتماعی خود را نزد مردم محکم‌تر کنند.

عمده تلاش در معماری اخیر حرم امام را می‌توان معطوف به اشرافیت و استیلاطلبی مسئولین امر دانست که به نوعی با بدیل‌های مسیحی عصر باروک تطابق دارد و با اشارات مستقیم رهبری در مورد خطر تحریف امام مستضعفین نیز بی‌ارتباط نیست. جالب توجه آنکه در آن دوران نیز اشراف و اربابان کلیسای مسیحی فکر می‌کردند با تجمل و شکوه هر چه بیشتر می‌توانند جایگاه اجتماعی خود را نزد مردم محکم‌تر کنند. فرار مسئولان امر از پاسخ‌گویی و چماق معماری ایرانی - اسلامی که بر سر منتقدان آورده‌اند چندان دور از ذهن نبود؛ اما شگفت‌آورتر آن است که جریان متخصص معماری (شاید تنها به دلیل نزدیکی بیشتر فکری با جریان مسئول امر) در مقابل این حرکت نادرست و غیراصولی موضع‌گیری روشنی نداشته‌اند. معماری این گونه حرم امام آن گونه که مسئول مستقیم امر گزارش می‌کند اصلاً یک ضرورت نبوده است بلکه بیشتر فرصتی تلقی شده است تا شخصیت و نگاه و آرمان امام توسط جریانی خاص صادره به مطلوب و وارونه نمایان شود و یک پایگاه اشرافی خاص در نقطه‌ای مستعد برای جریانی خاص بنا شود.»

رک: یحیی نوریان، «طاق‌های رومی کلیسا در ترکیب چلیپا! / معماری جدید حرم امام (ره) چه ویژگی‌هایی دارد؟ + تصاویر»، فردانوز، تاریخ انتشار: ۲۲ خرداد ۱۳۹۴؛ به نشانی: <http://www.fardanews.com/fa/news/423438>

روزنامه کیهان نیز در یادداشتی به قلم ایرج نظامتی به نقد حرم امام پرداخت: «این روزها اگر راهتان به حرم مطهر امام خمینی (ره) افتاده باشد، حتما خواهید دید که دیگر از آن مرقد امام مستضعفین و پابرهنگان خبری نیست؛ بلکه با قصری باشکوه روبه‌رو می‌شوید که نمی‌تواند نماد امام مبارز و مخالف کاخ‌نشین‌ها باشد. و دیگر از آن مرقد زیبای امام که آجر آجرش با اشک و ماتم و اوج خلوص نیت مهندسان و معماران و کارگران و نجاران و آهنگران و... ساخته شده خبری نیست! ... اگر صریح‌تر بگوییم، دیگر نه در سایت جماران نیوز می‌شود امام خوبی‌ها را به خوبی شناخت و نه در مرقد ایشان، که با معماری کاخ‌گونه قصر پادشاهان را تداعی می‌کند! بلکه باید امام را از شیوه‌های دیگری شناخت و زیارت کرد.»

رک: ایرج نظامتی، «روح منی خمینی بت شکنی خمینی (نگاه)»، روزنامه کیهان، یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۴، ص ۱۰.

پژوهشگاه هنر و فرهنگ اسلامی حوزه هنری تهران، نشست پژوهشی با موضوع «زیبایی‌شناسی و مردم‌شناسی حرم امام خمینی (ره)»، با حضور دکتر ابراهیم فیاض (مردم‌شناس)، دکتر محمد رجبی (تمدن‌پژوه)، حجت‌الاسلام رضا غلامی رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدا، دکتر گودرزی (صاحب‌نظر معماری اسلامی) و دکتر وحید یامین‌پور به عنوان مجری در روز ۲۰ خرداد ۱۳۹۴ در سالن سلیمان هراتی حوزه هنری برگزار کرد. در این نشست به طور تفصیلی به نقد و بررسی حرم امام خمینی پرداختند. دکتر فیاض در این جلسه گفت: «انقلاب امام انقلاب جهانی بود. تا چه حد جهانی بودن انقلاب امام و جهانی بودن شخصیت امام در شهرسازی‌های شهر آفتاب اطراف مرقد امام تجلی پیدا کرده است؟ معماری و شهرسازی اطراف حرم امام فاجعه است. ما قاعدتاً باید جهانی بودن امام را در شهرسازی و معماری اطراف امام ایجاد کنیم که الان این نیست. باید یک شهر جهانی بسازیم. این شهری که مظهر انحطاط ماست، یعنی تهران را ببینید، آیا شهر آفتاب قرار است کاستی‌های این را جبران کند. نه فکر نمی‌کنم. من که چیزی ندیدم... سازندگان حرم امام خمینی آنچه ساخته‌اند معماری‌اش نه ربطی به شخصیت امام دارد و نه ربطی به انقلاب اسلامی دارد و نه ربطی به آینده‌ای که انقلاب باید بسازد دارد - چون گفتیم که این معماری‌ها باید در آینده کنش‌ساز باشد - و نه به آرمان‌ها و امیدهایی که امام ایجاد کردند ربط دارد. مرقد امام در حال حاضر هیچ نسبتی هم نه با تهران و نه با شهرهای اطراف دارد.»

رک: «گزارش تفصیلی نشست علمی زیبایی‌شناسی و مردم‌شناسی حرم مطهر امام خمینی (ره)»، ۲۳ خرداد ۱۳۹۴، سایت باشگاه هنر پژوهان جوان، به آدرس: <http://honarpajohan.com>